

# تحقیق و پژوهش

## بی ارزش و بی روش

جلوه می‌کند و داستان روی آن بنا می‌شود، در سرزمینی دیگر اصلاً جذبیت نداشته باشد و یا اگر از این سازه استفاده شود، کاملاً مانع نزدیک شدن داستان به مفهوم داستانی خودش شود. ولی شخصیت این طور نیست. شخصیت‌های داستان‌ها، تنها عناصری هستند که در تمام دنیا گام می‌زنند.

شخصیتی مثل «پینوکیو» در ایتالیا متولد می‌شود، ولی می‌بینیم که محبوبیتی بیشتر در ژاپن پیدا می‌کند. یا شخصیت دیگری مثل «شازده کوچولو» که در کشور فرانسه متولد می‌شود، ولی در کشورهای دیگر محبوبیت بیشتری می‌یابد. حتی شخصیت‌هایی داریم که هر سرزمین و شاید همه سرزمین‌ها می‌توانند ادعای مالکیت آن‌ها را داشته باشند؛ «سیندرلا» و «ماه پیشونی» از همین شخصیت‌ها هستند. اخیراً یکی از دوستان، چهار سیندرلا ترجمه کرده؛ سیندرلای اروپایی، روسی، مصری و ایرانی. حالا چون نویسنده کتاب خارجی

بوده، عنوان سیندرلای ایرانی را به ماه پیشونی داده است. ممکن است ما حق داشته باشیم که به سیندرلا بگوییم ماه پیشونی. همین طور شما سرانجام بسیاری از شخصیت‌ها بروید. مثلاً کچل تنبل یا تنبل قهرمان یا حسن کچل. شخصیتی که تنبل است، هیچ انتظار و توقعی از او نمی‌رود، ولی به تصادف، کارهای بزرگی انجام می‌دهد و به نتایج بزرگی می‌رسد. چنین شخصیتی، به راحتی در کشورهای مختلف قابل دست یافتن است. من نمی‌خواهم بحث ریخت‌شناسی را پیش بکشم و فرمول‌های قابل اتکا در شخصیت‌سازی را بشمارم یا شخصیت‌های افسانه‌ای و امروزی را با فرمول‌های مشخص دسته بندی کنم. این جا بحث بنده این است که شخصیت، مورد اعتمادترین و جهانی‌ترین عنصر داستانی است که از طریق آن می‌توانیم پیوندی درونی با داستان‌ها ایجاد کنیم. یکی از



شخصیت داستانی نوجوان است. آن چه می‌خوابید، متن سخنرانی عموزاده خلیلی، در انجمن نویسنده‌گان کودک و نوجوان است:

«به نام خدا، سلام عرض می‌کنم و سال نو را تبریک می‌گویم. امیدوارم که سال خوب و سرشار از اندیشه، کتاب، نوشت و پرواز داشته باشید.

از آن جا که بحث روز جهانی کتاب کودک است. شاید اصلی‌ترین، محوری‌ترین و پایه‌ای‌ترین سازه‌ای که ما می‌توانیم در ارتباط جهانی قصه‌ها به آن تکیه کنیم، همین عنصر شخصیت در داستان‌های کودک و نوجوان باشد. همه عناصر دیگر داستان و همه سازه‌های دیگری که داستان را شکل می‌دهند، بسته به حضورشان در سرزمین‌های مختلف، آب و رنگ محلی خودشان را می‌گیرند. بنابراین، ممکن است که یک تکنیک داستانی که در یک سرزمین به عنوان تکنیک اول و اصلی داستان

نویسنده‌یاری از یک کتاب»، از سوی انجمن نویسنده‌گان کودک و نوجوان، در روز بیست و یکم فروردین ۱۳۸۲، به مناسب ۱۴ فروردین، روز جهانی کتاب کودک برگزار شد.

در این مراسم که به کتاب «فرهنگ توصیفی شخصیت‌های داستانی نوجوان» اختصاص داشته فریبون عموزاده خلیلی، گردآورنده این کتاب، در حضور جمع زیادی از اعضای انجمن، نویسنده‌گان و پژوهشگران کتاب کودک و نوجوان، درباره شخصیت‌های داستانی نوجوان و کتاب مذکور، سخنرانی کرد.

کتاب دو جلدی «فرهنگ توصیفی شخصیت‌های داستانی نوجوان»، به همت فریبون عموزاده خلیلی و گروهی از نویسنده‌گان و پژوهشگران، در واپسین روزهای سال ۸۱ منتشر شد. این کتاب مشتمل بر مقالاتی درباره ۳۷



شخصیت‌های داستان‌های خارجی، هیچ تعادل و تقارنی نیست. ما در طی سالیان اخیر، یعنی سال‌هایی که داستان را به مفهوم امروزی اش نوشته و ارایه کرده‌ایم، کم موفق شده‌ایم که شخصیت‌هم باسازیم. ممکن است بگویید، مگر داستان بدون شخصیت‌هم معنی پیدا می‌کند؟ در اینجا نوعی همه جانبه‌نگری در ساخت، پرداخت و ارایه شخصیت‌مد نظر است. همه داستان‌ها شخصیت دارند؛ شخصیت‌هایی که در حد چند خطند و شخصیت‌هایی که در حد یک طرح مطرح می‌شوند. شخصیت‌هایی که فقط گرافیکی هستند و حجم و بعد پیدا نمی‌کنند و درون ندارند. یا شخصیت‌هایی که درون دارند، ولی باز یک بُعدی‌اند. در شخصیت‌های ادبیات داستانی ما، متاسفانه این ضعف به طور عمدۀ دیده می‌شود. مشکل در مراحل بعدی خودش را بیشتر نشان می‌دهد ما باید ملاک‌هایی برای انتخاب شخصیت می‌داشتمیم. برای این کار، ابتدا ۱۵۰۰ شخصیت ثبت نام شدند. این کار بین کتاب‌ها و داستان‌های مختلف و طبق اهمیت انجام شد. بعد ملاک‌ها را بررسی کردیم. این ملاک‌ها فقر مارا در زمینه آفرینش و خلق شخصیت نشان داد. اولين ملاک ما این بود که شخصیت انتخاب شده شخصیت اصلی داستان باشد. دوم این که جایزه‌های داخلی و خارجی نصیب شده باشد و بعد این که پارافائز از کتاب و داستان گذاشته باشد. ماتک داستان‌هایی داریم که شخصیت‌پردازی‌های قوی دارند، ولی در حد همان یک داستان است. ما به دنبال این بودیم که شخصیت در شرایط داستان‌های دیگر هم زندگی کرده باشد و از این موارد کم پیدا می‌شود. مثلاً از عرصه ادبیات خارج شده باشد وارد هنر دیگری مثل سینما و هنرهای تجسمی و طراحی شده باشد و از این فراتر، وارد عرصه‌های اجتماعی شده باشد؛ حتی شخصیت‌پک فرنگ و اجتماع خاص شده باشد. وقتی می‌گوییم «تن تن»

شاید اصلی ترین،  
محوری ترین و پایه‌ای ترین  
سازه‌ای که ما می‌توانیم  
در ارتباط جهانی قصه‌ها  
به آن تکیه کنیم، همین عنصر  
شخصیت در داستان‌های  
کودک و نوجوان باشد.  
همه عناصر دیگر داستان و  
همه سازه‌های دیگری که  
داستان را شکل می‌دهند،  
بسته به حضورشان  
در سرزمین‌های مختلف،  
آب و رنگ محلی خودشان را  
می‌گیرند



انگیزه‌های گردآوری این کتاب، همین بود. در بحث گفت و گوی تمدن‌ها که من مسئول بخش کودک و نوجوان آن بودم، فکر می‌کردیم که آیا موضوع آکادمیکی مثل گفت و گوی تمدن‌ها، در حیطه کودک و نوجوان معنی پیدا می‌کند؟ در آن زمان، توجه من به همین داستان‌ها بود. برخی از شخصیت‌های داستانی وجود دارند که اگر شما در هر نقطه از دنیا از آن‌ها نام ببرید، خواهید دید که شناخته شده هستند. مثلاً شخصیت مجید که هم آقای مرادی کرمانی و هم آقای حجوانی، اشاراتی به آن داشته‌اند. وقتی که شخصیت مجید در کشوری دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد، یعنی این که تنها عنصر این مجموعه است که گامش را فراتر از مرزا می‌گذارد. طنز به کار رفته در «قصه‌های مجید» هم طنز نیرومندی است. طنزهای دیگری هم در کتاب‌های دیگر، در کشورهای دیگر می‌بینیم که هر کدام جای خودشان را دارند و هرگز نمی‌توانند آن محور ارتباطی مشترک باشند. بنابراین، مادر آن زمان به این نتیجه رسیدیم که اگر به شخصیت‌های داستانی نوجوان متولّ شویم، می‌توانیم این پل ارتباطی را بین پژوهه‌های کشورهای مختلف، با آشنایی این از قرار کنیم و همین کار را هم کردیم که حاصل آن این کتاب شد.

بعد از آن که تصمیم گرفتیم روی شخصیت‌ها کار کنیم، در جست و جویی که درباره داستان‌ها انجام شد، دیدیم که حتی در داستان‌هایی که محور آن‌ها شخصیت نیست، شخصیت‌ها در ذهن ما می‌مانند. مثلاً در داستان‌هایی که اصلاً حادثه محورند؛ حتی حادثه‌ای که درگیری با طبیعت مبنای آن است، یعنی اولين داستان‌هایی که نوشته شده، مثلاً «رابینسون کروزو». در این داستان، آیا شخصیت رابینسون کروزو در ذهن ما می‌ماند یا ماجراجی داستان؟ اگر هم ماجراجی در ذهن‌مان باشد، یکی دو ماجراجی خاص، مربوط به رابینسون



به بولوپیا داشتم، دیدم سالن‌های اینتالیا، فقط پینوکیو شناخته می‌شوند و همه‌ماکن و شرکت‌ها و ناشران، برای بهتر معرفی کردن پینوکیو رقابت دارند، اما درکشور مابه تازگی یکی از مراکز، شخصیت نمادینی را معرفی کرد که نه پیشینه دارد و نه معلوم است که در کجا فرهنگ و ادبیات داستانی ما جا دارد. شنیدهام که میلیون‌ها میلیون هم برای آن سرمایه‌گذاری شده است. معلوم نیست که چقدر در بین بچه‌های ایرانی جا بازکند، چقدر توانته است

مرrog و مبلغ فرهنگ کهن و جدید ما باشد. این جا هرگز ساز خودش را می‌زند و مسائلی مثل رقابت و حسادت باعث می‌شود که شخصیتی که ظرفیت ملی شدن دارد، نادیده گرفته شود؛ شخصیت‌های مثل ماه پیشونی، حسن کچل و... امیدواریم یک روز این مشکلات برطرف شود.

همان طور که گفتیم، این کتاب شامل ۳۷ شخصیت است که از بین آن‌ها ۶ شخصیت ایرانی و ۳۱ خارجی است. به هر حال، کتاب جای تکمیل و انتقاد فراوان دارد. جا دارد که از زوایای دیگر هم به شخصیت‌ها پرداخته شود. خلاصه این که اگر توانسته باشیم فقط اهمیت این مبحث را برسانیم، درصدی از موفقیت نصیبمان شده است. متشرکم.»

هم که در جشنواره‌های بین‌المللی گرفته، هیچ منبعی نبود و ما مجبور شدیم با خود نویسنده مصاحبه کنیم. آقای کرمانی می‌گفتند که اظهارنظرهای جدیدی در این کتاب راجع به مجید خوانده‌اند که تا به حال نشنیده بودند، چرا باید این طور باشد؟ فقط برای این که ما در کشورمان برای تحقیق و پژوهش، نه تنها ارزش قائل نیستیم، متد و شیوه و فن اوری هم نداریم. حاصلش این می‌شود که وقتی در اینترنت، راجع به «هوولان» (شخصیت کتاب ناتوردشت)، جست و جو می‌کنید، چندین سایت باز می‌شود از یادداشت‌ها و نقاشی‌های بچه‌هایی ده - دوازده ساله که اصلاً مخاطب کتاب نیستند، تا اظهارنظرهای منتقدین و سایر مخاطبین. ولی درباره مجید که مشهورترین شخصیت ایرانی است بیش از یکی دو مورد، آن هم لیست جواز اعطای شده به آقای مرادی کرمانی، چیزی پیدا نمی‌کنند.

برای بقیه شخصیت‌ها اصلاً وجود ندارد. من نمی‌دانم این نقص مربوط به کیست. از ۳۷ شخصیت این کتاب که ۶ نایش ایرانی بودند و بقیه خارجی، زحماتی که برای پیداکردن مطلب درباره ۶ شخصیت کشیده شد، خیلی بیشتر از بقیه بود، وقتی که به مرحله تجزیه و تحلیل شخصیت‌ها رسیدیم، به ضعف‌ها بیشتر بی‌بردیم. دلیل، حمایتی است که از شخصیت‌های خارجی می‌شود. امسال در سفری که

با «مجید» یک شخصیت با یک فرهنگ خاص در نظرمان می‌آید. در این مورد، ساده‌ترین آزمایشی که می‌شود انجام داد، این است که بعد از خواندن پنجاه صفحه‌ای که آقای مرادی کرمانی، مجید را با حوادث مواجه می‌کند، بتوانیم با اطلاعاتی که از این صحنه‌ها داریم، رفتاری برای مجید طراحی کنیم و مجید را در صحنۀ دیگری مثل سوارشدن به مترو بگذاریم و دقیقاً بدانیم که مجید چه بخوردی می‌کند، خلاصه این که شخصیت وارد فرهنگ شده باشد، وارد کتاب‌های درسی شده باشد، وارد نمادهای اجتماعی و فرهنگی شده باشد، تندیس شده باشد و میادین و محلات، اسم او را گرفته باشند. این‌ها می‌شود شخصیت‌هایی که پا را از عرصه ادبیات داستانی فراتر گذاشته‌اند. هر کدام از این موارد برای شخصیت‌های کاندیدا شده امتیاز داشت.

بعد سراغ رایانه رفتیم تا ببینیم برای هر شخصیت، چقدر منابع اطلاعاتی هست. در این مرحله بود که تأسیف ما در مورد شخصیت‌های ایرانی به اوج رسید. قاطعانه بگوییم که شما نمی‌توانید در هیچ منبعی، حتی برای شخصیت به شهرت مجید، چند کلمه حرف پیدا کنید. اگر چند نفر هم در این باره بحث و بررسی کرده‌اند، جایی ثبت نشده است. سیستم اطلاعاتی ما هنوز عصر قجری است. برای شخصیت «جلال» آقای بایرامی، با وجود جوابزی